

و در ضمن هم سوء تفاهمی رخ نداده باشد به بنده زاده سهم الممالک هم تلگراف نمودم که اسلحه را تحویل کرده قبض رسید دریافت نموده کلاً با خانواده به تهران بیایند علت تأخیر تسلیم اسلحه این که آقای ثقة الاسلام به واسطه مسافرتی که برایشان پیشآمد کرده بود از قبول این زحمت معذرت خواستند بعد هم به واسطه تأکیدات بنده آقای سعید دیوان که از طرف حکومت جلیله مأمور رسیدگی به عرایض متظلمین فیروزکوه از طریق سوادکوه بودند سهم الممالک موقع را مفتنم شمرده تلگرافاً از حکومت جلیله استدها می نمایند که امر فرمایند آقای سعید دیوان اسلحه را تحویل گرفته قبض بدهد که ایشان بعد از تسلیم اسلحه فوری به طرف تهران حرکت نمایند. حضرت آقای ظهیرالملک در جواب می فرمایند که سعید دیوان حق تحویل گرفتن اسلحه را ندارد خودتان بفرستید تحویل بدهند بنده زاده ها هم به ملاحظه این که حضرات ژاندارم ها چند قبضه در مازندران از سوارها گرفته قبض نداده اند شاید در بین راه این اسلحه را هم بگیرند و قبض ندهند تأملی داشتند چون اخیراً هم تأکید در تحویل اسلحه و آمدن خودشان به فوریت به تهران نموده بودم لهذا اسلحه مزبور را به توسط قهارخان گماشته خودشان می فرستند که ببرند در ساری تحویل فرموده قبض رسید بگیرند بین راه عباس خان نایب قزاق با بیست و پنج نفر از طرف حکومت جلیله مأمور گرفتن اسلحه بودند از قهارخان تحویل گرفته بعد سوادکوه می روند در این صورت معلوم و واضح است که مقصود بنده یا بنده زاده امرار وقت نبوده است به مرحمت حضرت آقای ظهیرالملک سبب تأخیر تسلیم اسلحه شده تا این که بعد از آمدن عباس خان نایب به سوادکوه پشت سر مطابق تلگرافی که بنده زاده ها نموده اند که سواد آن از نظر مبارک می گذرد اردوی قزاق به سوادکوه آمده برخلاف انتظار اقداماتی نموده اند که خانه بنده و بنده زاده ها و ایل و طایفه را غارت کرده بنده زاده ها هم با خانواده فعلاً در کوه ها متواری هستند پس از وصول تلگراف از حضور حضرت اشرف اعظم بندگان آقای رئیس الوزراء روحی فداه مشرف شده چون به واسطه درد دندان مختصر کسالتی داشته به فیض زیارت آستان مبارکشان نائل شده عریضه فوراً عرض کرده [و] تلگراف بنده زاده ها از لحاظ انور مبارکشان گذراندم. مراحم کامله را مبذول فرموده بودند که به حکومت مازندران تلگراف می نمایم آنچه اشیائی که از سوادکوه برده مسترد بدارند و به علاقجات شما هم کسی متعرض نشود از بروز این مکرمت و مرحمت فوق العاده مفتخر و متشکر شدم لیکن ملاحظه فرمایید تحقیق این مسئله غارت و استرداد اموال مدت زمانی طول لازم دارد در این مدت اقامت اردو در سوادکوه تا چه اندازه اسباب خرابی و تشویش خاطر اهالی را از هر جهت فراهم می نماید ممکن است هرگاه قبول زحمت بفرمایید از طریق دولتخواهی از مقام

مقدس حضرت اشرف معظم له استدعا بنماید تلگراف فوری فرموده اردو را از سوادکوه احضار فرمایند که لااقل باقی مانده سوادکوه که یکی از قطعات ایران است دستخوش اغراض و تاخت و تاز قزاق واقع نشده در این موقع حرکت ایل متواری نشوند اسلحه که مقصود بود تسلیم شده بندهزاده‌ها هم بتوانند آزادانه خانواده‌های خود را حرکت داده بیایند والا اگر اردو بخواهد اقامت داشته باشد هم خرابی محل فراهم می‌شود و هم بندهزاده‌ها به حالت متواری که نمی‌دانم فعلاً کجا هستند باقی خواهند بود زیرا که برای حفظ شرافت خود لابد ملاحظه می‌نمایند که هر گاه تن بدهند حضرات قزاق‌ها ایشان را تحت نظر گرفته تحت الحفظ به تهران خواهند آورد لابد ایشان هم برای حفظ شرافت خود که خود را از هیچ جهت مقصر نمی‌دانند راضی نخواهند بود که تحت الحفظ به تهران بیایند مزید تشویش خیال بنده خواهد بود ولی در صورتی که اردو حرکت نماید ایشان هم شرفیاب می‌شوند هر طور امر فرمایند. خود بنده هم حاضر هستم با کمال افتخار اطاعت خواهد شد زیاده ایام افاقت به کام باد.

(۲۹۹)

تلگراف حاکم مازندران (ظهیرالملک) به رئیس‌الوزراء و ثوق‌الدوله

نشان شیر و خورشید و تاج

به تاریخ ۱۲ میزان ۱۳۳۸

ریاست وزراء

نمره

ورقه تلگرافی

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت عظمت، سهم‌الممالک، متین‌الملک روانه شد به آستان مبارک تسلیم نمایند.

۱۰ میزان نمره ۲۷۷

ظهیرالملک حکومت مازندران

[حاشیه:] رمز مازندران

[ظهرنامه] تقدیم آقای مشارالممالک شود.

(۳۰۱)

سواد مکتوب حاکم مازندران (ظهیرالملک) به سالار حشمت

به تاریخ ۶ برج قوس قوی ثبل ۱۲۹۸ حکومت مازندران اداره کابینه دایره شماره ۲۴۴۴

امیرالامراء المعظام آقای سالار حشمت دام عزه

در این موقع که به طرف سوادکوه عزیزت می نمایند میل دارم که در صدد تحقیق حال آقایان سیف الله خان سرتیپ و هژیر السلطان پسران جناب آقای امیرمؤید برآمده سعی کنید که در کوه هستند آنها را از طرف من اطمینان بدهید که خطر جانی برای آنها قطعاً متصور نیست و انشاءالله به آنها تأمین داده تصریحاً می نویسم که کاملاً مطمئن بوده باشند. به هیچ وجه من الوجوه که در خطر نخواهند بود در صورتی که خودشان را از صمیم قلب مطیع اوامر دولت قرار دهند که مستقیماً نزد اینجانب بیایند بر ذمه اینجانب فرض است که سر موئی نگذارم از آنها کم شود و راجع به سایر امورات حقه آنها آنچه لازمه مساعدت و همراهی که از طرف من لازم باشد مضایقه نخواهم کرد.

محل امضاء

ظهیرالملک حکومت مازندران

(۳۰۲)

مکتوب رئیس الوزراء (وثوق الدوله) به حاکم مازندران

تهران به تاریخ ۱۳۳

اسم نویسنده صادره

نشان شیر و خورشید و تاج

ریاست وزراء

نمره کتابت ۷۸۸

کارتن ۱۱ دوسه ۶

ذکر نمره های قبل ۱-۲

تاریخ ارسالی ۱۵ جدی

حکومت جلیله مازندران، مشروحاً نمره ۵۱۶۵ با ضمانت آن ملاحظه شد اساساً تصدیق دارم که مأمورین ژاندارمری باید احترامات و حیثیات حکومت را کاملاً مرعی داشته و از مداخله در اموری که راجع به آنها نیست احتراز نمایند همیشه هم این نکته را به اداره ژاندارمری متذکر شده باز هم تأکید خواهم نمود ولی موضوعی که مورد شکایت جنابعالی واقع شده و حمل بر بی ادبی و سوء رفتار سلطان فتحعلی خان نموده اید قابل ملاحظه و

اهمیت نیست و نمی توان مشارالیه را محکوم نموده هم در مسئله سرباز قریه... و هم در خصوص اسبها و پولی که مأمورین حکومت از سوادکوه گرفته اند مشارالیه بر حسب تکلیف مراتب را به جنابعالی نوشته و این نوشتن هم برای این که مشارالیه مأمور جمع آوری سرباز است و به او تظلم کرده اند مناسب داشته است ولی نمی دانم گرفتن اسب و پول چه علتی داشته؟ و تعرض به اهالی سوادکوه به عنوان بستگی به امیرمؤید برای چیست؟ در این مسائل لازم می دانم توضیحات کافی به اینجانب بدهید این نکته را هم لزوماً می نویسم که نظر اینجانب نسبت به امیرمؤید و سایرین به طور کلی بر بی طرفی و حفظ اصول عدالت و حقانیت است. در باب ضبط اموال امیرمؤید و کسان او هم از طرف دولت حکمی نشده بود غیر از املاک خالصه که معلوم گردد مشارالیه غصباً تصرف نموده و البته باید مسترد بشود تعرضی به دارائی او از منقول و غیر منقول به کلی بر خلاف سیاست دولت است اگر به طوری که نوشته اید تاکنون اموالی از او ضبط شده تفصیل آن چه بوده و نزدیکی ضبط شده و فعلاً چه حالتی دارد؟ مراتب را محسوساً اطلاع اینجانب را برت بدهید. حاکم سوادکوه و مأمورین حکومتی را هم باید جداً منع نمایند که بدون جهت متعرض اموال امیرمؤید و کسان و بستگان او نشوند و در تمام موارد عدالت و حقانیت و بی غرضی را که نقطه نظر اصلی دولت است منظور دارند.

(۳۰۳)

مکتوب محمد اسمعیل خان باوند به رئیس الوزراء (و ثوق الدوله)

۱۶ ربیع الثانی

مقام منبع بندگان حضرت امین اقدس اشرف آقای رئیس الوزراء دامت عظمته قربان حضور مهر ظهور مبارکت شوم، اولاً سلامتی ذات مقدس را از درگاه حضرت اقدس الهی مسئلت می نمایم بعدها عرض می شود نظر به مقتضیات وقت یا مصالح مملکت یا سیاست امور هر چه بوده باشد که هنوز برای خود چاکر مجهول است با همه امیدواری ها مقتضی چنین شد که مدتی در مرکز خود و زیارت آستان مبارک مهجور بوده باشم علی ایحال بندگان آستان مبارک اگر صلاح و مقتضی بدانند از راه عطفوت بذل مرحمت فرموده که چاکر مرخص بوده دعاگوی ذات خجسته صفات بوده باشم.

الامر الاعلی مطاع

چاکر اسمعیل سوادکوهی امیرمؤید

[رقم پشت پاکت] از کرمانشاه به تهران، عریضه چاکرانه اسمعیل سوادکوهی امیرمؤید به آستان مبارک
بنندگان حضرت امنغ اقدس اشرف آقای رئیس الوزراء دامت عظمته است، به تاریخ ۱۶ ربیع الثانی
۱۳۳۸

[در حاشیه:] اداره محترم تشکیلات ژاندارمری مرحمت نموده از لحاظ مبارک آقای رئیس الوزراء
یگذرانید.

(۳۰۴)

مکتوب حاکم مازندران (ظهیرالملک) به رئیس الوزراء (وثوق الدوله)

مورخه ۲۷ شهر ربیع الثانی ۱۳۳۸
مطابق ۲۸ برج جدی ۱۲۹۸

نشان شیر و خورشید و تاج
حکومت مازندران
اداره کابینه
نمره ۵۹۰۸
ضمیمه

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت عظمته

دستخط جوابیه نمره ۶۷۸۸ زیارت گردید در خصوص رفتار سلطان فتحعلی خان فدوی
عرضی ندارم. در آن وقت هم فقط راپرت مختصر و مقایسه رفتار دو مأمور به حضور مبارک
عرض شده بود در باب املاک و دارائی شخص امیرمؤید و سه پسرش دستخط فرموده
بودید خاطر مبارک به خوبی مستحضر است که امیرمؤید و پسرهایش چیزی که قابل باشد
نداشتند و قبل از این که فدوی اقدامی بکنم اداره مالیه املاک خالصه که آنها تصرف کرده
بودند در تحت اختیار خود درآورده و از طرف دیگر چون مابقی اموال وحشم امیرمؤید و
سه پسرش هم یا در مقابل بدهی آنها به دولت و یا به اشخاص متفرقه که هر روز به فدوی
رجوع می کردند می بایست صیانت... شود و از حیث و میل مصون بماند این بود که فدوی بر
حسب وظیفه ای که داشتم املاک و دارائی امیرمؤید و سه پسرش را فقط از نقطه نظر صیانت
که حبه و دینار و یا یک پوشال آن را حیث و میل نشود مأمور فرستادم و به حکومت
سوادکوه توصیه کردم تا این که اخیراً از اداره مالیه مراسلات عدیده رسید که امیرمؤید و سه
پسرش مبلغ یکصد و چهل هزار تومان به دولت بدهکار هستند و املاک آنها باید در توقیف
مالیه باشد چون نسبت به املاک امیرمکرم هم این قسم تقاضا نموده بودند و حضرت اشرف
اعظم روحی فداه امر فرمودید به مالیه تحویل شود فدوی هم سپرده ام تمام هر چه تحت

نظر گرفته اند تحویل مالیه بدهند و در تمام این مدت حتی القوه نگذاشته ام یک حبه و دینار آن حیف و میل شود در خصوص حفظ بی طرفی و عدالت حقگزاری را که امر فرموده بودید تصور می کنند فدوی در نوکری خود کاملاً متوجه این مطلب هستم و بیه بندگان حضرت اشرف اعظم روحی فداه ثابت شده است که در این ماموریت مازندران جز وظیفه بی طرفی و عدالت و بی طمع رفتار دیگری نکردم باز هر قسم امر فرمائید اطاعت می شود. در خاتمه خاطر مبارک را مستحضر می دارد که پس از تحقیقات لازمه معلوم شده است که مامورین فدوی و حاکم سوادکوه دیناری به هیچ اسم و رسم دریافت نکرده اند و راپرت خلاف عرض کرده اند.

(امضاء: ظهیرالملک)

[مجدداً:] مأمور حکومت هم اگر اسب و پولی ضبط کرده باشد به امر فدوی بوده قدرت این که خودسرانه اقدامی بکند نداشته تمام مرتب است و حالا هم هر چه تحت نظر گرفته شده باشد بی کم و زیاد به مالیه سپرده می شود.

[امضاء] ظهیرالملک

[مهر] حکومت مازندران

[حاشیه:] ملاحظه شد، آقای مشارالملک هم ملاحظه فرمایند. ۱۵ دلو ۹۸

[حاشیه:] ملاحظه شد، ضبط شود، اقدامی دیگر ندارد، ۱۸ دلو

(۳۰۵)

مکتوب حاجی آقای شیرازی به سرتیپ سیف الله خان

۱۲ شهر جمادی الآخر ۱۳۳۸

خدمت ذی رفعت جناب مستطاب اجل اکرم آقای سیف الله خان سرتیپ دام اقباله عالی فدایت شوم اگر چه از هنگامی که از خدمت سرکار دور مانده ام تا کنون هیچ به زیارت مرقومه سرکار نائل نشدم، ولی حقه مهر بدان نام نشان است که بود، باری پیش آمدهای راجع به حضرت آقای امیرمؤید دام اقباله و گرفتاری آقای سهم الممالک که تمام از سادگی و بی آلاشی امیرمؤید و حسن نظر به هر ناکسی بود پس و بنده هم در این ایام نبودم پس از آمدن حسب الوظيفه اقدام برای استخلاص آقای سهم الممالک شد و امیدوارم که انشاء الله

آقای امیرمؤید هم به همین زودی قول داده‌اند به طوری که به تهران عودت داده شوند ولی تمام راجع به اقدامات مطابق عقل و رویه متانت سرکار است اگر اقدامی مطابق رویه متانت بفرمائید تمام امور صلح می‌شود و اگر نه، خیر، و اقدامات دوستان هم عقیم می‌مانند اکنون جناب آقای امجدالواعظین را فرستادم جنابعالی و آقای هژیرالسلطان با خانواده با کمال اطمینان حرکت کنید تشریف بیاورید تهران تا راه گفتگوی اعدادی بسته نشود و کارها بعون الله اصلاح شود و البته پس از این تجربه دشمن و دوست را شناخته‌اید و دوستان حقیقی و دوست نماها را فرق می‌گذارید و فوری با کمال اطمینان برای تهران حرکت خواهید فرمود و حکمی هم به ریاست ژاندارمری صادر شده که احدی مزاحم سرکار نباشد تا به سلامت وارد شوید منتظر خبر حرکت سرکارم، زیاده عرضی نیست.

حاج آقای شیرازی هلی

(۳۰۶)

مکتوب حاکم مازندران به رئیس الوزراء (وثوق الدوله)

مورخه ۲۷ شهر جمادی الاول ۱۳۳۸

مطابق ۲۹ برج دلو قوی نیل ۱۳۹۸

نشان شیر و خورشید و ناج

حکومت مازندران

اداره کابینه

نمره ۶۵۹۱

ضمیمه ۲

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت عظمته

دستخط مبارک تحت نمره ۷۵۰۸ به انضمام دو طغرا معروضه آقایان امیرمکرم و امیرمؤید که استدعای رجعت و تشریف آستان مبارک را نموده‌اند زیارت گردید نظریات فدوی را نسبت به آنها استعلام فرموده بودند فدوی عقیده قطعی خود را اساساً راجع به سرکردگان تبعید شده در ضمن معروضه نمره ۲۲۰ مورخه برج اسد ۹۸ به عرض رسانده است و همان را باز تأیید می‌نماید با وضعیات سابق مازندران که هنوز از نظر ما دور نشده محض این که دوام اوضاع فعلی بعدها تأمین گردد و خرج‌های گزاف دولت هدر نرود تا مدت پنج سال سرکردگان تبعید شده به مازندران مراجعت ننمایند اینک حسب‌المقرر عقیده خود را در خصوص این دو نفر با ذکر مختصر مقدمه معروض می‌دارد:

امیر مکرم پس از آن لطمه‌ای که چندین سال قبل به قوای دولت در سمت آمل و لاریجان

رمید خودمیری و غروری به خود گرفته بود و اوامر دولت را اطاعت نداشت وی عیاش و گوشه گیر بود به مردم هم از بابت آب رود هزار سخت آزار می داد کمتر کسی قدرت ملکداری در حدود آمل و لاریجان داشت ملاحظه فرمودید در مسئله با نصرکلا و هندوکلا و گفتگوی شاهزاده عین الدوله و مشارالیه احکام دولت بلا اجرا می ماند و اطاعتی نداشت اما اخیراً توانائی مقاومت وافی را در مقابل حکومت نداشت و همچو پیشامد که با ژاندارمری طرف شد آن هم قصور با پسرش عظیم الملک بود، حکومت و ژاندارمری موقع را غنیمت شمرده باب معارضه با سرکردگان باز و فی الحقیقه از آن موقع خلع سلاح سرکردگان شروع، امیرمکرم و پسرهایش هم دستگیر و حسب الامر روانه تهران شدند. رجعت امیرمکرم و پسرهایش را به تهران یا قید تعهداتی موافقم زیرا تبعید آنها را هم در تهران امیرمؤید ایجاب کرد اما نه این که دیگر به آمل و لاریجان بازگشت نمایند دولت ولایت و ودایع خداوند و رعیت خود را البته راضی نمی شوند به هوی و هوس این گونه اشخاص و اگذار نماید هرچه دارند یا هرچه دولت به آنها می دهد یا از ملک خودشان به آنها می رساند در تهران بخورند و پسرهای او هم در خدمت نظامی دولت مشغول و مشغول باشند اگر هم مأموریتی می روند غیر از مازندران باشد مأمورین دولت پرستاری از دارائی آنها خواهند نمود با مباشرین آنها هم از هر حیث تقویت می شود و چنانچه در این مدت حبه و دیناری از حاصل املاک او حیف و میل نشده است. اما در خصوص امیرمؤید و اولاد او (اگر دستگیر شوند) تصدیق می کنم علاوه بر این که هیچوقت نباید به مازندران رجعت نمایند شخص امیرمؤید هم به این زودی ها نباید رجعت به تهران نماید چرا با سایر مزاحمین حضرت اشرف اعظم روحی فداه همدست شده و ابدآ آرام نخواهد داشت عوام فریبی دارد و بیاناتی ساخته و پرداخته لابد جز بیان مظلومیت و نسبت های بی اساس برای چرکین کردن مأمورین دولت حرف دیگری نمی زند بالطبع رجعتش به تهران تأثیرات بدی هم در مازندران دارد. امیرمؤید از مازندران تبعید شد، بعد چرا به جای خود ننشست، که تبعیدش از تهران هم به جای دیگر ایجاب گردید خوش هوا تر از مازندران جاهای دیگر هم هست. البته ذات اشرف اعظم روحی فداه راضی نخواهند شد که راحتی او باعث اذیت جمعی بشود: امر و مقرر گردد مقرری به او بدهند در جای دیگر با نهایت آسودگی و فراغت خاطر آزادانه زندگی نمایند، به اولادش هم هر وقت تمکین کردند و یا دستگیر شدند خدمت نظامی رجوع کنند و به اطراف و جوانب غیر از مازندران مأمورشان نمایند چرا آنها یک قطعه خاک پاک بی آلایش را که اگر رفع اوضاع اقتصادی آن بشود با یک سرعت فوق العاده به اوج ترقی برسد، به عملیات سوء خود آلایش داده هزاران نفوس را ناراحت و از تمتع بشریت

محروم بدارند چندی هوی و هوس آنها فدای این مردم بی گناه باشد. چند نفری هر قدر عزیز باشند از یک کرور نفوس مقدسه عزیزتر نیستند. الامر الاشراف مطاع.

[امضاء] فدوی.....

[مهر] حکومت مازندران

[حاشیه] ضبط شود اقدامی ندارد. ۱۴ جمادی الثانی

(۳۰۷)

سواد متحدالمال رئیس باطالیون ۸ مستقل به محمد اسمعیل خان باوند

متحدالمال

باطالیان مستقل، نمره ۸

مورخه ۲۰ حوت ۱۳۳۸

متحدالمال نمره ۱۳۵۲

اداره تشکیلات ژاندارمری

آقایان سرکردگان و امراء مازندران

حضرت مستطاب اجل اکرم آقای امیرمؤید زید، اقباله در تعقیب امکانات صادره از طرف حضرت مستطاب اجل اکرم افخم عالی آقای ظهیرالملک دام اقباله نماینده محترم اعزامی از مرکز مقتضی است به فوریت قوائمی که جمع آوری نموده اید به محل های خود اعاده داده و احکامات و دستورات حضرت معظم الیه را اطاعت و عواطف دولت متبوعه را که ایشان مبلغ هستند تلقی [کذا] فرمائید.

ساری رئیس باطالیون ۸ مستقل، فرج الله

(۳۰۸)

استخراج تلگراف رمز حاکم مازندران به وثوق الدوله و جواب آن

شیر، خورشید، تاج، شمشیر

ویاست وزراء

ورقه تلگرافی

به تاریخ ۱۳۳

نمره

بعدالعنوان نمره ۲۵۲۰ راجع به انتخابات که استعلام فرموده اند فعلاً در چه حال است

زیارت شده داوطلب مثل شیخ العراقین زاده و آیت‌الله زاده پسر عموی ایشان و (گویا در اینجا دو کلمه افتاده است) ^۱ و پیشکار مالیه و اهل محل خیلی باشند و کیلی بجز شخص حضرت اشرف اعظم روحی فداء که طرف ستایش خلق هستید و حتی مازندرانی‌ها به افتخار خود انتخاب خواهند کرد زمینه برای دیگری هنوز حاضر نیست. تصور می‌کنم یا یک حسن عقیدتی نظریه فدوی را موافقت نمایند، به اهل محل متمایل نیستند. حضرت اشرف به جای همه وکالت خواهید داشت در صورت قبول چهار و عدم قبول، در ذیل وجود مبارک پنج نفر دیگر وکیل باید بشوند.

با امضاء و تصویب حضرت اشرف یک نفر را به فدوی حق می‌دهند که میرزا عبدالله خان باشد، چهار نفر دیگر را هم هر کس میل مبارک باشد اعلام فرمایند. آنچه خود فدوی در نظر گرفته و می‌خواهم به اجازه حضرت اشرف زمینه برای ایشان حاضر کنم آقای شکوه‌الملک، آقای امیراعلم، آقای اعتلاء‌الملک و آقای عمیدالملک پیشکار هستند. شیخ العراقین زاده خیلی مایل و در تلاش است، مقتضیات رأی انور را اعلام فرمایند، اطاعت شود.

نمره ۳۶۳، ۲۱ حوت

امضاء | ظهیرالملک

[حاشیه] نمره ۲۵۷۹، ۲۳ حوت ۹۸

[حاشیه] نمره ۷۷، ۱۴ حمل ۹۹

[حاشیه] فوری، جواب رمزاً گفته شود خود من از قارس انتخاب شده‌ام، انتخاب مازندران را نمی‌توانم قبول کنم ولی ضرر ندارد انتخاب شده بعد استعفا نمایم اشخاصی که بعد اکثریت دارند وکیل خواهند شد. اشخاصی را که در تلگراف اسم برده‌اید بسیار خوب هستند ولی امیراعلم در مشهد انتخاب شده یا می‌شود بنابراین خوب است با شیخ العراقین زاده مساعدت شود به هر حال به نوری اقدام و انتخابات را انجام بدهید. ۱۲ حمل ۹۹

(۳۰۹)

سواد مکتوب رییس باطالیون مستقل ۸ به سر تیپ سیف الله خان باوند

اداره تشکیل ژاندارمری

باطالیان مستقل ۸

نوسط فرماندهان گروهان چهارم

نمره ۴۳۲۹

مورخه ۲۴ حوت ۱۲۹۸

جناب مستطاب اجل آقای سیف الله خان سر تیپ دام اقباله العالی

اگرچه سابقاً هم به وسیله اشخاص مختلف پیغام داده بودم که اولیای دولت علیه نظر سوئی نسبت به جنابعالی و آقای هزیر السلطان نداشتند و حاضرند تأمین به شما بدهند عازم تهران بشوید ولی متأسفانه نمی دانم به چه ملاحظاتی تا حال نپذیرفتید اینک که خوشبختانه وسائل اطمینان جنابعالی فراهم و مطلع شده‌اید مراحم اولیاء دولت علیه شامل حال عموم اهالی مخصوصاً جنابعالی است این پیشامد را حسن استقبال نموده حکم لازم به مأمورین ژاندارمری در مساعدت و عدم تعرض صادر و فرستادم منتظر جنابعالی هم حسن استقبال نموده رضایت خاطر اولیاء دولت را به طرف خود جلب نمایند.

رئیس باطالیون مستقل ۸ ماژور فرج الله

(۳۱۰)

استخراج تلگراف حاکم مازندران (ظهیرالملک)

به رییس الوزراء (وثوق الدوله) و جواب آن

نشان شیر و خورشید و تاج

ریاست وزراء

ورقه تلگرافی

نمره

به تاریخ ۱۳۳

بعدالعنوان، حاکم سوادکوه راپرت می دهد که امجدالواعظین نامی به اتفاق فرج الله بیگ گماشته سهم الممالک با ورقه تأمین نامه از طرف حضرت اشرف اعظم روحی فداه آمده است و فعلاً در زردگان منزل دارد مقرر فرمایند در این مواقع فدوی را هم مسبوق نمایند.

۲۵ حوت نمره ۳۶۴

ظهیرالملک حکومت مازندران

[حاشیه] نمره ۲۶۱۸، ۲۷ حوت / ۹۸

[حاشیه] نمره ۲۶۱۸، ۲۸ حوت / ۹۸، جواب، نمره ۳۶۴ ملاحظه شد مسافرت امجدالواعظین بر

حسب اجازه اینجانب است و کتیباً به جتایعالی... مأموریت او آوردن آقای امیرمؤید به تهران است. رمز
شود. [امضاء] وثوق الدوله
[حاشیه] استخراج تلگراف ساری

(۳۱۱)

سواد مکتوب حاکم مازندران (ظهیرالملک)
به حجت الاسلام حاجی میرزا غلامحسین

حکومت مازندران

نمره ۶۰۴

اداره کابینه

خدمت ذی شرافت جناب مستطاب حجة الاسلام ملاذالانام

آقای حاجی میرزا غلامحسین دامت برکاته مشرف باد

به عرض می‌رساند، آنچه را که جناب آقای سیف‌الله‌خان سرتیپ به حضور حضرت
مستطاب عالی معروض داشته‌اند به وسیله شاهزاده محمد میرزا نزد بنده فرستاده بودید
ملاحظه نموده جواب مشروحه را هم آقای سیف‌الله‌خان به اینجانب فرستاده‌اند عیناً
فرستاد که ملاحظه فرموده و برای ایشان بفرستید و با بیانات حکمت‌آمیز هر طور که مقتضی
رأی عالی است به مشارالیه بیغام دهیم مرقوم بدارید ملاحظه بفرمایند حضرت اشرف آقای
رئیس‌الوزراء دامت عظمته با چه مهر و محبتی به وسیله حضرت آقای حاج آقای شیرازی و
فرستادن جناب امجد الواعظین آقایان سیف‌الله‌خان و هژیرالسلطان را تهران احضار
فرموده‌اند در مقابل اوامر دولتی و شخص اول مملکت که اطاعتش هزاران هزار منافع مادی
و معنوی برای دودمان آقای امیرمؤید دارد این غفلت آقای سیف‌الله‌خان تا چه اندازه به
تعطل یا خدای نخواستہ مردم تعبیر می‌شود؟ می‌نویسد مطیع و منقاد هستم این جمله لفظ
است یا حقیقت دارد اگر حقیقت دارد چرا حقیقتش را اجرا نمی‌دارد تا حال تحت همین
نظریات ملت خود و خاندان جناب مستطاب آقای امیرمؤید دام اقباله ظلم کرده‌اند حضرت
اشرف آقای رئیس‌الوزراء مستقیماً به ایشان تأمین داده و احضارشان کرده‌اند آیا حالا تأخیر و
تعطل و یا مذاکره با من خلاف ادب و تقصیر، تعبیر نمی‌شود. چکنم تا حال هرچه گفته و
نوشته‌ام به سمع انصاف و دوستی اصفا نکرده‌اند شما را به خدا توجه فرمائید بلادرنگ
بی فوت وقت خود را معطل نکرده عزیزمت نمایند، که هر دقیقه تأخیرش یک دنیا تأسف
تولید می‌نماید ایام رفاقت مستدام باد.

ظهیرالملک

(۳۱۲)

مکتوب نظام‌السلطان امیر نوری از تهران به سر تیپ سیف‌الله‌خان

جناب جلال‌ناب مخدوم مکرم مهربان آقا سیف‌الله‌خان سر تیپ دام اقباله
برادران عزیز قربان شما بروم، پس از استعمال از صحت‌مندی مزاج شریف خاطر محترم
را قرین استحضار می‌دارد، تصور فرمائید که رقیمه‌ای از مصائب وارده به آن خانواده
منصرف و متألم نبوده‌ام مخصوصاً در قزوین عربضه‌ای به مقام رقیع ریاست وزراء عظام
دامت عظمته را عرض نموده جواب دستخط فرموده‌اند که عین آن را لفاً ملاحظه فرموده و
البته تصدیق می‌فرمائید که مقتضی زمامداری و مصلحت وقت چنین اقتضاء می‌کند که اقدام
فرموده‌اند و از طرفی چون قصوری متوجه جنابعالی نمی‌داند نظر به پاس مقام دوستی و
اثبات عوالم مودت و یک جهتی و باتجربه و احاطه‌ای که نسبت به وضعیت امروزه مملکتی
دارد محض صلاح اندیشی و خیرخواهی چنین مقتضی می‌دانم که به اظهارات و
دسیسه‌بازی مغرضین که همیشه مقاصد سوء خود را بدست دیگران اجرا می‌دارند و سعی
نگذارید که نتیجه نخواهید گرفت دیروز را مخصوصاً به اتفاق آقای سهم‌الممالک حضرت
مستطاب اجل آقای شکوه‌الملک معاون ریاست وزراء عظام را ملاقات نموده و آنچه لازمه
اطمینان بود از ایشان و حضرت اشرف آقای رئیس‌الوزراء نسبت به فراهم داشتن وسائل و
آسایش حال جنابعالی و همه نوع تأمین داشتن و بذل توجه مخصوص فرمودن قول قطعی
گرفته و اینک با نهایت اطمینان قول شرف می‌دهم که بدون دغدغه و نهایت اطمینان و امنیت
منتظرم از فردا که دوشنبه هفتم شعبان است تا پانزده روزی که اینجانب در تهران توقف دارم
حرکت نموده به تهران آمده یکسر به منزل اینجانب ورود فرمائید تا انشاء‌الله امورات را به
طور دلخواه تصفیه نموده، بدون این که ضرری مالاً و جاناً متوجه جنابعالی شود و شغلی هم
به خودتان بدهم که از این نگرانی به کلی مستخلص شده و منهنم خیالم راحت شود در
خاتمه یقین دارم که اظهارات خیرخواهانه این دوست واقعی خودتان را پذیرفته و ترحمی به
زندگانی خودتان بفرمائید که این پیشامدها در سایه توجه و مرحمت حضرت اشرف معظم
آقای رئیس‌الوزراء دامت عظمته مرتفع گردد و این مشروح‌ات اینجانب به منزله خط و مهری
است که در ظهر کلام‌الله مجید نوشته و مهر کرده به جنابعالی اطمینان داده باشم همان
اندازه محترم خواهد بود با مشارکتی که در امور زندگانی آن خانواده دارم انتظار می‌برم که به
وسيله‌ای فوراً حرکت کرده تشریف بیاورید که خدای نکرده به واسطه غفلت حادثی پیش
نیاید که اسباب تأثر و تألم اینجانب فراهم گردد.

نظام‌السلطان امیر نوری

(۳۱۳)

سواد کاغذ شکوه‌الملک به حاج آقا شیرازی

کابینه ریاست وزراء؟

عرض عالی می‌رساند، سواد تلگرافی که از طرف حضرت اشرف آقای رئیس‌الوزراء دامت شوکتہ راجع به پسرهای آقای امیرمؤید به حکومت جلیله مازندران مخابره شده است اینک لفاً برای اطلاع خاطر محترم حضرتعالی تقدیم و ارسال می‌گردد.

شکوه‌الملک

(۳۱۴)

سواد تلگراف حضوری رئیس‌الوزراء (و نوبق الدوله)
به حکمران مازندران (ظهیرالملک)

مورخه ۱۷ ثور

حکومت مازندران

خدمت مستطاب اجل اکرم آقای ظهیرالملک حکمران مازندران دام اقباله از حضور جنابعالی در تلگرافخانه مسرور هستم حالات شریف و به طوری که انتظار دارم در ترتیب و تنظیم کلیه امور آن صفحه موفقیت حاصل نمائید ذیلاً اشعار می‌کنم مسئله جنگلی‌ها موافق راپرت‌هائی که متوالیاً از رؤسای اردو می‌رسد دیروز هم به جنابعالی تلگراف کرده‌ام خاتمه یافته قوای آنها غالباً دستگیر و فعلاً جز دستجات چند نفری که متواری هستند و خسته بی‌روح به اطراف فرار می‌کنند و اردو هم از تعاقب آنها هست چیزی باقی نمانده در این صورت تصور نمی‌کنم که دیگر کار اینها حائز اهمیت باشد با حضور بعضی از این دستجات چند نفری در محل‌های دیگر از ترس جان خود پناهنده می‌شوند تولید زحمتی نماید معهداً از طرف من به رؤسا و سرکردگان اعلام نمائید که باید هر یک از افراد جنگلی‌ها باید از خاک آنها عبور نماید مرده یا زنده او را با اسلحه دستگیر و تسلیم رؤسای اردوی دولتی نمایند و البته این جدیت آنها مورد توجه دولت خواهد بود و با ترتیبی که در کار جنگلی‌ها به عمل آمده دیگر احتیاجی به وجود... نمانده ولی برای بعداً ضرر ندارد به سرکردگان اعلام نمائید با شرایط و ترتیبات هر قدر از قوای خود را که ممکن است در اختیار فرج‌الله‌خان بگذارند که اگر ضرورت پیدا شد از وجود آنها استفاده شود.

سواد مطابق اصل محل مهر حکومت مازندران

(۳۱۵)

سواد تلگراف رئیس الوزراء (و ثوق الدوله)
به حاکم مازندران (ظهیر الملک)

۱۶ ثور ۱۲۶۰

حکومت مازندران

حکومت جلیله مازندران چون در تلگراف نمره ۱۱۳ از اخبار جنگلی ها استعمال نمودید برای اطلاع جنابعالی اشعار می شود که فراری های جنگلی از طرف قوای دولت تعقیب و اخیراً دستجات کوچک دکتر حشمت و کوچک خان در خرم آباد محصور شده دیروز چهاردهم ثور خود دکتر حشمت با دوست نفر اسیر شده اند. هشتاد نفر دیگر هم اسلحه خود را ریخته و فرار کرده اند و اردو در تعاقب آنهاست و بقیه قوای جنگلی ها که دستجات چند نفری و متفرق هستند از هر طرف تعقیب می شوند و کار آنها خاتمه یافته و در صفحه گیلان امنیت و آسایش کامل برقرار شده.

و ثوق الدوله ریاست وزراء

محل مهر حکومت

(۳۱۶)

مکتوب احمد شریعت زاده به...

تصدقت شوم، پس از اظهار تأسف از این مفارقت موقت بهترین احساسات صمیمیت خود را تقدیم می دارم با گرفتاری های زیادی که برای حرکت در بین بود نتوانستم آن طور که مورد انتظار بود در این دو روزه به توفیق شرفیابی نائل شوم. معذرت می گویم و جناب مشکوة را توی راه ملاقات کردم فرمودند پسر سید الله... لذا مراجعت کرده به رفع گرفتاری خود قیام نموده و دیگر نتوانستم شرفیاب شوم لذا فقط مطالب خود را در این لایحه عرضه می دارم:

- ۱- جناب مستطاب فاضل... را امروز مفصلاً ملاقات و کاملاً در امور مرجوعه مذاکرات به عمل آمده متمنی است در غیاب بنده از جناب معزی الیه انجام هرگونه امور را بخواهید.
- ۲- به جناب آقای اخوی در بار فروش و آقای شریعتمدار و آقای حاج شیخ محمد حسین و سایر دوستان مرقوم دارید که اگر اتفاقاً بنده به بار فروش رفتم لوازم پذیرائی و احترامات را فراهم نمایند.

۳- در حدود... راجع به مسئله انتخابات به شدت اقدام و برای موفقیت مخصوصاً برای جناب مستطاب اجل عالی که یکتا عنصر در صمیمیت و غیرت و مودت هستید اقدامات و فداکاری‌های سخت خواهم کرد.

۴- در مسئله شیخ العراقین هم مفصلاً با آقای فاضل مذاکره کرده‌ام باید ایشان را ملاقات فرمائید.

۵- در باب محمود پدر سوخته هم این طور مذاکره کرده صورت محاکمات را به معزی‌الیه داده‌ام که به لوایح... مراجعه و آن صورت محاکمه را هم ارائه نمایند.

۶- جناب معزی‌الیه اگر راجع به تمیر و کالت‌نامه‌های راجعه به بنده پولی بخواهند مرحمت فرمائید.

۷- پانزده تومان به آقای آقا سید مهدی حواله دادم تدریجاً مرحمت کنید خیلی متشکر می‌شوم و شما هم در پیش خدا و رسول مناب خواهید شد، چون که خودم هیچ پول نداشتم.

۹- در باب انتخابات در نظر داشته باشید که اگر بنده دیر مراجعت کردم و لازم شد که برای هدایت مردم به انتخاب عناصر صالحه و جلوگیری از دسایس مفسدین و خائنین

مملکت تبلیغات مؤثر و معهود... انتشار یابد اقدامات فوری فرمائید.

۱۰- در مسئله شکایت از رئیس پدر سوخته عدلیه که به دسایس، معین و مأمور شده است با مشاوره جناب مستطاب ملاذالانام آقای آقا میرزا مهدی دامت برکاته مرقوم و تعقیب

فرمائید.

۱۱- خدمت جناب مستطاب اجل اکرم... آقای اعتمادالملک به عرض ارادت تصدیق بدهید و مستحضر سازید که به واسطه پیشامدهای شخصی مجبور شدم که از حضرت

معزی‌الیه چند روزی مفارقت نمایم. امیدوارم به زودی مراجعت و در تعقیب ارادت خود تحصیل موفقیت نمایم.

۱۲- خدمت جناب آقای میرباباخان و آقای غلامرضاخان سلام می‌رسانم، امیدوارم بتوجهات اجداد طاهرین هم آقای میرباباخان زودتر آسوده شود.

البته به عرایض مندرجه در این لایحه با قید اهمیت تلقی خواهید فرمود. آقای حسن‌خان سمسار هشت تومان از بنده طلب دارد در صورتی که برای او ممکن نباشد تأمل نماید

حضرت عالی قبول [و] او را متقاعد فرمائید تا بنده به زودی مراجعت نمایم. در هر صورت از مقام دوستی و صمیمیت عالی خواهاتم که با تمام اقتدارات خود از بنده حفظ‌الغیب

بفرمائید که کسی پشت سر بنده حرف ناصحیحی از این بابت‌ها نزنند، زیاده قربانت بروم.

[امضاء] احمد شریعت‌زاده

(۳۱۷)

سواد مکتوب رئیس باطالیون اول (اکرم نظام) به محمد اسماعیل خان باوند

امیه دولتی رژیمان نمره ۱۰

خدمت جناب مستطاب اجل اکرم عالی آقای امیر مؤید دام اقباله العالی
همراهی و مساعدت‌های حضرت مستطاب عالی به اداره ژاندارمری لازم به شرح و بسط
نیست و تمام اعضاء ژاندارمری و ملت به خوبی مسبوق هستند. به موجب درخواست اهالی
فیروزکوه گویا هیأت وزراء عظام و وزارت جلیله داخله حکم فرموده‌اند که ژاندارم به
فیروزکوه اعزام شود. این است که نایب دوم ظفر السلطان با یک عده مأمور شده‌اند که از...
پست‌های خودشان را مرتب کرده... در فیروزکوه باشد. البته بیش از آنچه تا به حال همراهی
و ایران دوستی فرمودید تقاضای می‌شود که نهایت مساعدت و همراهی را بفرمائید که اسباب
امتنان عموم ملت خصوصاً اداره ژاندارمری خواهد شد و مخصوصاً خود آقای ظفر السلطان
با حضرت عالی ملاقات کرده او را بصیرت بدهید که به همراهی آن یگانه نماینده، امورات آنها
مرتب شود.

رئیس باطالیان اول محمد اکرم نظام

(۳۱۸)

سواد مکتوب میرزا احمد مدعی العموم به سیف‌الله خان باوند

به آقای سیف‌الله سرتیپ

قربانت گردم؟ هرچند تاکنون به زیارت وجود مسعود عالی نائل نگردیده‌ام و روابط
مودت ظاهری را درک نکرده‌ام ولی نظر به ارادتی که به حضرت آقای امیر مؤید داشته و
دارم و روابط معرفتی که اخیراً با آقای سهم الممالک پیدا کرده‌ام فتح باب مکاتبه را به موقع
دانسته و به این مختصر تبلیغ ارادت خود را می‌نمایم و پس از تقدیم مراتب خلوص و ارادت
خود زحمت عرض می‌دهم که شرحی را که جناب مستطاب آقای شریعتمدار آقای حاجی
آقای شیرازی دامت برکاته در نتیجه مذاکرات... و نسبت به بندگان حضرت اشرف آقای
رئیس‌الوزراء دامت عظمت شده قول صریحی است که در تأمین و تضمین حقوق آقایان
داده‌اند و این بنده کمال اعتماد را به عهد و فرمایش معظم‌الیه دارم. بدیهی است آنچه را که
حضرت آقای سهم الممالک مرقوم فرموده‌اند اطاعت و امتنان نموده و به سلامت تشریف

خواهید آورد. عرایض مرا خدمت آقای هژبرالسلطان ابلاغ و اعلام خواهید فرمود. زیاده عرضی ندارم، ایام به کام باد.

(۳۱۹)

کشف رمز تلگراف از ساری به رئیس الوزراء (وثوق الدوله)

نشان شیر و خورشید و تاج

به تاریخ ۱۳۳

ریاست وزراء

نمره

ورقه تلگرافی

بعدالعنوان؛ چون در موقع تصدی حکومت در املاک پسرهای امیرمؤید از طرف کسان و نماینده معزیه الیه بعضی حیف و میل ها شده و به این واسطه مباشرین را برای خوردن مال حضرات آزاد گذاشته اند حالیه در صورتی که باید از حیف و میل شدن اموال آنها جلوگیری شود موجبات کدورت باطلی حکومت فراهم می شود لزوماً کسب تکلیف می کند که به این ملاحظه آیا باید حقوق پسران امیرمؤید را جداً محفوظ داشت یا اجازه داده مباشرین رویه مجازه را امتداد بدهند. نظریه مبارک را جواباً تلگراف فرمایند.

نمره ۷۴۱۷، ۲۸ حوت

فدوی محمد حسین الحسینی

[حاشیه] نمره ۱۷، ۳ حمل ۹۹

[حاشیه] نمره [۷۴۱۷] واصل گردید، آنچه راجع به خود امیرمؤید و پسرهای اوست و جزء خالصجات و املاک دولتی نیست البته باید از تجاوز محفوظ مانده و منافعش به خود آنها عاید شود که بتوانند گذران کنند به حکومت هم همین طور تلگراف شد، ۵ حمل ۹۹

[حاشیه] استخراج تلگراف ساری

(۳۲۰)

کشف رمز تلگراف حاکم مازندران (ظهیرالملک)

به رئیس الوزراء (وثوق الدوله)

نشان شیر و خورشید و تاج

ریاست وزراء

ورقه تلگرافی

۱۳۳

به تاریخ

نمره

استخراج تلگراف ساری

بعدالعنوان؛ شرحی را که راجع به اوضاع مازندران در شماره ۲۳ جریده وطن نوشته شده است از روی دستور کلیه تبعیدشدگان مازندرانی و لسان همه آنها است مخصوصاً ثقه الاسلام و معین الرعایا امضای آن هم امضای معین الرعایاست زیرا وزارت داخله از اداره شمال به فدوی رسماً او را تحت نمرة ۱۸۳۰۸، ۵۱۶۸ مورخه ۴ ج ۲ / ۲۸ وکیل ورثه شیخ زین العابدین معرفی کرده اند. بیشتر قسمتهای آن کار معین الرعایا است. به علت این که در اوراق مضره ای که از منزل او بدست آمده بود و سابقاً تقدیم شد عباراتی که عادت او بوده مرکوز خاطر دارم آنهایی که از معین الرعایا شفاعت کردند و باعث رجعت او شدند نسبت به زحمتی که برای مازندران کشیده شده و مخارج گزاف دولت و آسایش اهالی حقیقتاً ظلم و بی رحمی غریبی نموده اند لزوماً به شرح یک جمله که همیشه از عرض آن امساک می کردم مبادرت می نماید. بیان الدوله مدیر تحریرات شمال بی نهایت با معین الرعایا و ثقه الاسلام و مستعان الملک و شریعت زاده مربوط و تمام تحریرات رسمی مازندران را برای آنها خصوصاً معین الرعایا قرائت و به مراجع، معین الرعایا و دیگران جواب صادر می نمایند. مکاتبات بیان الدوله را با معین الرعایا اوقاتی که معین الرعایا مازندران بود تقدیم داشته ام. اگر چه کارهای مهم فدوی در آستان مبارک [یک کلمه کشف نشده] ولی وقتی مدیر مرکزی وزارت داخله دارای یک همچو اخلاقی باشد خیلی خلل به پیشرفت مرام دولت می رساند و عقابید فاسده مفسدین را [یک کلمه کشف نشده] این می کند. واجب است مقرر گردد به مصلحت مازندران او را به فوریت مأموریت خارج بدهند و کسی که علاقمند به این وضعیت نباشد به جای او بگمارند. از روزنامه وطن مستقیماً پاکت های پست برای علماء و مردم مخصوصاً فرستاده اند.

۱۱ حمل نمره ۱

ظهیرالملک، حکومت مازندران

[حاشیه]: استخراج تلگراف ساری

[حاشیه]: ضبط شود، نمره ۷۹، ۱۴ حمل / ۹۹

(۳۲۱)

کشف تلگراف رمز حاکم مازندران (ظهیرالملک)

به رئیس الوزراء (و ثوق الدوله)

نشان شیر و خورشید و تاج

ریاست وزراء

ورقه تلگرافی

نمره

به تاریخ ۱۳۳

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت عظمت، چندی است [بوسیله] پست پاک‌هایی به عنوان علماء و مردم و پاره‌ای سرکرده‌های مازندران می‌رسد، می‌نویسند دولت بالشویک اولتیماتوم سختی به دولت ایران داده که قرارداد انگلیس^۱ باید الفناء کابینه حاضره منحل، حاکم مازندران، مازور فرج‌الله‌خان، وحیدالسلطنه کارگزار او^۲ کلنل فیلیپ‌اوف باید تسلیم دولت بالشویک بشوند و جواهرهای دولت تزاری را ظهیرالملک باید رد کند. در کاغذهای دیگر نوشته‌اند رئیس‌الوزراء... خارج شهر رفته‌اند حکم احضار ظهیرالملک صادر شده، سردار کل حاکم و عنقریب حرکت می‌کند همین طور خرافات زیاد است. بسیاری از این تحریرات را شاید فدوی نمی‌بیند عجالتاً هر چه بدست آید می‌فرستد به قرار تحقیقاتی که شده و صورت مسئله هم نمایش می‌دهد اینها کار ثقة‌الاسلام و پسرش و مخصوصاً معین‌الرعا یا و مستعان‌الملک است. سردار جلیل هم دخالت تام دارد. عقیده فدوی این است دولت در مقابل ضرر دوره انقلاب مازندران و سیصد هزار تومان مخارج اخیر که برای انتظام مازندران متحمل شده به مختصر ضرر موهوم سانسور نباید اهمیت بدهد، در صورتی که تصویب بفرمائید در این موقع در خود مازندران باید سانسور را محض جلوگیری این اقدامات خائنین استقرار داد. ثقة‌الاسلام و پسرش را معین‌الرعا یا را هم از مرکز دور نمایند و هم روزنامه وطن توقیف گردد. مستعان‌الملک را هم به جانی مأموریت بدهند از تهران خارج شود.

۱۳ حمل نمره ۳

ظهیرالملک حکومت مازندران.

[حاشیه]: استخراج تلگراف رمز حکومت مازندران است

۱. اشاره است به قرارداد اوت ۱۹۱۹ منعقد بین سرپرسی کاکس و وثوق‌الدوله.

(۳۲۲)

جواب تلگراف نمره ۳ حکومت مازندران (ظهیرالملک)
توسط رئیس الوزراء (وثوق الدوله)

به حکومت مازندران رمز شود.

نمره ۳ ملاحظه شد؛ اخباری که از تهران می دهند به کلی بی مأخذ است و نباید خیال خودتان را مشروب نمائید روزنامه وطن توقیف شده. معین الرعایا هم تبعید می شود. [ولی در باب تفة الاسلام چون در تلگراف نمره... تقاضا کرده اید اجازه آمدن مازندران به او داده شود به او گفته خواهد شد بیاید و دست از تحریکات بردارد و اگر بعد از آمدن رویه خود را تغییر نداد او را به نقطه دیگر غیر از تهران تبعید نمائید.] اخیراً روزنامه ای هم به امضای چهل و دو نفر اعلانی منتشر کرده است که این اشخاص هم جزء امضاء کنندگان هستند گفته ام وزارت داخله مجلس محاکمه تشکیل بدهد پس از رسیدگی حضرات به مجازات اعمال خودشان خواهند رسید. رمز شود.

[امضاء]: وثوق الدوله

[حاشیه]: نمره ۸۲، ۱۷ حمل

(۳۲۳)

سواد تلگراف پالکونیک استارسلسکی به حاکم مازندران (ظهیرالملک)

مورخه ۲۲ حمل ۳۸

حکومت مازندران

نمره ۱۱۸
۲

خدمت ذیشوکت جناب مستطاب اجل آقای ظهیرالملک حکمران مازندران دام اقباله. برحسب امر دولت علیه ایران خاطر شریف حکمران مازندران را مستحضر می دارد از اتباع جنگلی ها اگر کسی به خاک مازندران پناهنده شود و معلوم و مشخص گردد از مالکین و رعایای آن صفحه کمک مالی و جانی به آنها تموده و آذوقه به آنها برسانند، محکوم به حکم مجازات نظامی خواهند بود. مقرر فرمائید که در تمام نقاط مازندران این حکم دولت علیه ایران را اعلان نموده و تمام اهالی را اطلاع بدهند.

نرمانده کل قوای اعزامی گیلان، پالکونیک استارسلسکی

سواد مطابق اصل اداره کابینه حکومت مازندران.

(۳۲۴)

سواد مکتوب رئیس باطالیان ۸ (ماژور فرج الله خان) به سیف الله خان باوند

اداره تشکیلات ژاندارمری باطالیان مستقل ۸

نمره ۳۶۵

مورخه ۲۲ برج حمل ۱۳۳۸

جناب مستطاب اجل آقای سیف الله خان سرتیپ دام اقباله

در جواب مرقومه عالی پس از وصول مراتب را به عرض اولیاء دولت علیه رسانیده امیدوارم درخواست های جنابعالی مورد قبول یابد ایتمک عقیده ایتجانب است که جنابعالی به تهران تشریف ببرید یقین دارم اولیاء دولت درخواست های جنابعالی را قبول و الطاف خود را به مناسبت انقیاد احکام مبذول می دارند.

رئیس باطالیون مستقل ۸ ماژور فرج الله

(۳۲۵)

سواد مکتوب رئیس الوزراء (وثوق الدوله) به حاکم قزوین (نظام الدوله)

به تاریخ ۲۲ برج حمل ۱۳۳۸

ریاست وزراء

خصوصی

حکومت جلیله قزوین

مشروحه خصوصی در باب آقایان امیرمکرم و امیرمؤید که تقاضا کرده بودید به قزوین آمده و مراقبت آنها به جنابعالی واگذار شود واصل گردید. حالا که اجازه آمدن به تهران خواسته اید در این باب تأمل نمائید بعد از ورود مذاکره و یادآوری خواهید نمود و عقیده خودم را حضوراً اظهار خواهم کرد.

رثوق الدوله

(۳۲۶)

کشف تلگراف رمز عمیدالملک و جواب آن

نشان شیر و خورشید و تاج

به تاریخ ۲۵ حمل ۱۳۳

ریاست وزراء

نمره ۱۵۶

ورقه تلگرافی

بعدالعنوان، کاپیتن فورسکیو^۱ انگلیسی مأمور سیاسی و نظامی قزوین در موقع اقامت ساری اطلاعات مبسوطه از ممیزی و احصائیه املاک مازندران و امور حمل و نقل اینجا از فدوی تقاضا داشت که حاضر کرد، برای مشاهدات به او داده شود. جواب دادم پس از مراجعه به حضرت اشرف عالی و کسب اجازه اطاعت می شود. در صورت تصویب مستدعی است تعلیمات لازمه به عهده آقای میرزا مهدی خان کفیل مالیه اصدار فرمایند که از این قرار عمل نمایند.

۲۳ حمل نمره ۴۳۸

فدوی محمدحسین الحسینی.

[حاشیه]: نمره ۱۵۶، ۲۷ حمل

[حاشیه]: به مالیه مازندران تلگراف شود از مضمون نمره ۴۳۸، اطلاع حاصل گردید، صورتهایی که کاپیتان فورسکیو خواست است به مشارالیه بدهید.

۲۷ حمل ۹۹

[حاشیه]: استخراج تلگراف آقای عمیدالملک است

(۳۲۷)

سواد تلگراف حاج آقای شیرازی و سهم الممالک

به سرتیپ سیف الله خان باوند

به تاریخ ۲۷ برج حمل ۱۲۹۹

ضمیمه

نشان شیر و خورشید و تاج

حکومت مازندران

سواد تلگراف آقای حاج آقای شیرازی و سهم الممالک

اداره کابینه

نمره قبض ۴۶۳۱

توسط آقا سید محمود، جناب اجل آقای سیف الله خان سرتیپ دام اقباله

از طرف مقام ریاست وزراء تلگرافاً دستور دادند که توقیف املاک خودتان مرفوع، اموال مسترد افراد تأمین داده شود. املاک متنازع فیه و آنچه تفریط شده پس از تشریف در کمیسیون بی طرفانه تسویه و جبران شود. اصلاح تمام اموال موقوف به سرعت حرکت است.

[امضاء]: شیرازی علی، سهم الممالک

[حاشیه]: سواد مطابق سواد است.

[حاشیه]: حکومت مازندران

(۳۲۸)

سواد مکتوب حاکم مازندران (ظهیرالملک) به محمد اسمعیل خان باوند
به ضمیمه سواد تلگراف کلنل دوداوید

به تاریخ ۲۸ برج حمل ۳۸

نمره ۹۴

حکومت مازندران

جناب مستطاب اجل اکرم افخم آقای امیرمؤید

در تعقیب مشروح ۶۷ راجع به اتباع جنگلی های گیلان عین تلگراف فرمانده کل قوا اعزامیه استرآباد لفاً ارسال می گردد و البته مفاد آن را به کلیه کسان و بستگان خود اعلام نمائید و از نتیجه اطلاع بدهید.

ظهیرالملک، حکومت مازندران

[ضمیمه فوق است]:

سواد تلگراف کلنل دوداوید^۱

از استرآباد به ساری

نمره ۵۵

۲۱ حمل ۹۸

حکومت جلیله مازندران ظهیرالملک دام اقباله دسته یاغیگران جنگل میرزا کوچک خان به کلی از طرف قشون دولت شکست خورده و گیلان در تصرف قشون دولت درآمده برای جلوگیری از ورود فراری ها جنگلی شکست خورده به تنکابن و مازندران لازم است به

۱. کلنل دوداوید از افسران انگلیسی نیروی شمال ایران.

محل‌های لازمه اطلاع دهند که به هر وسیله باشد اقدامات برای دستگیری دزدها بنمایند. برحسب امر دولت هر کس از آنها حمایت یا این که آنها را مخفی نماید مقصرین دولت خواهند بود. خواهشمند است دستورات لازمه نیز به پسر سپه‌دار اعظم و امیرمؤید برای جلوگیری آنان داده شود.

نمره ۲۴ کلنل دودارید

محل مهر تلگرافخانه ساری.

(۳۲۹)

سواد مکتوب حاکم مازندران (ظهیرالملک) به محمد اسمعیل خان باوند

۳۰ برج حمل ۹۸

حکومت مازندران

نمره ۱۴۵

جناب مستطاب اجل اکرم افخم آقای امیرمؤید دام اقباله
سواد مشروحه پالکونیک زمسکی رئیس آتریاد مازندران راجع به میرزا کوچک خان و
اتباع او که از بندر جز رسیده است لفاً ارسال می گردد لازم است مفاد آن را به کلیه کسان و
بستگان خود اعلام نموده و از نتیجه نیز اطلاع بدهید.

ظهیرالملک

محل مهر حکومت مازندران

(۳۳۰)

سواد مکتوب شاهزاده محمد حسین میرزا دیهیم

فرمانده گروهان سوادکوه

حضرت مستطاب آقای سیف‌الله خان سرتیپ دام اقباله
مرقومه حضرت‌عالی در جواب پیغامی که به توسط فرج‌الله بیگ بود واصل گردید و گمان
نمی‌کنم این پیغام خصوصی آنقدر حیرت‌انگیز بوده است که قابل ذکر آن در مرقومه نباشد
و نیز پیغام دادن را مخلص توهین ندانسته بل تبدیل کتابت رسمی را به پیغام خصوصی یک
نوع صمیمیت دانسته و می‌دانم بر هر فردی از افراد این مملکت مخصوصاً حضرت

مستطاب عالی در این موقع واجب است که زبان مفسدین و مغرضین را به هر وسیله باشد کوتاه نموده و نگذارد وسیله دست آنها افتد. ولی در عوض با آن عقل سرشار که در حضرتعالی دیده می شود نمی دانم چرا این نکته را فراموش فرموده اند. حال که بنابه اظهار خودتان که حاضر شده اید جنب اراده و اوامر بندگان حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء تسلیم محض و مطیع صرف باشید بایستی که یک مکان عاری از هر گونه تهمت نشسته و ارسال و مرسل را فقط به اشخاصی که می توانند آسودگی فامیل محترمان و حرکت خودتان را از مقامات عالی درخواست نمایند داشته باشید. نه این که در دامنه کوه خراج منزل کرده و هر کس را که طرف توجه سؤزن زاندار مری واقع می شود مثل پاشاخان ارفع دهی، غنی و ولی زیرآبی، محمد آقای عباس آبادی، فرود و قهاروندچالی، عزیز قهوه چی سرخه کلاتی و داور را به خود راه داده بلکه تفنگ و فشنگ به آنها داده و آنها را مسلح نمائید. در موقعی که حضرت عالی با جناب شریعتمدار آقای امجد الواعظین حاضر برای مذاکره شدید عدد همراهان ۲۰ الی ۲۵ نفر بیشتر نبودند و حال قریب پنجاه نفر شده اید این مسئله به طوری افکار اهالی سوادکوه را جلب کرده است که عنقریب مجبورم اعلان حکومت نظامی را تجدید نمایم. در خصوص جعبه مدفونه که به عنوان کشف اسلحه بیرون آورده اند لازم بود که در روز اول ملاقات که سیزدهم حمل بود و تا حال بیست روز است عنوان می فرمودید که فوری کشف آن اقدام شود حال هم ممکن است مرقوم فرمائید که این جعبه در کجا بوده و چه اشخاصی مظنون به این سرقت می باشند یقین است با کمال جدیت تعقیب خواهم نمود در خاتمه معروض می دارد که قسم به شرافت خانوادگی خودم که خود و نیاکان و فامیل شما را همیشه محترم دانسته و می دانم و صمیمیت من به آن فامیل بیش از آن است که خود سرکار تصور فرمائید.

رئیس گروهان سوادکوه

د بهیم محمدحسین

(۳۳۱)

سوادنامه رئیس الوزراء (وثوق الدوله) به حاجی آقای شیوازی

عرض می شود، کاغذ سیف الله خان و هزبرالسلطان را که ارسال فرموده بودید ملاحظه کردم خود جناب مستطاب عالی می دانید مقصود من ارفاق و مساعدت به آنها بود ولی از

ملاحظه کاخداها معلوم می شود، که این نظر مساعد نتیجه معکوس بخشیده است به طوری که ملاحظه می فرمائید سیاست دولت را تنقید می نماید. والا مطابق راپورت ها و اطلاعاتی که به بنده رسیده است از مالیه متقوله آنها به قدری که آنها می گویند از میان ترفته، بر قرض این که تفریط شده باشد آنچه باقی مانده به خود مسدود داده می شود. هر چه هم از ایشان رفته باشد بعد از تحقیق و رسیدگی مسترد می شود امترک، راهم آنچه خریده و ملک شخصی خودشان باشد مسترد خواهد شد. ولی اگر ملک دیگری که متعلق به دیگران بود ضبط کرده باشد ممکن نیست مسترد شود. اسلحه خودشان را هم باید بدهند و به تهران بیایند. از عایدات علاقجات مختصه به خودشان بدون مداخله در امورات سیاسی زندگانی بنمایند اگر به این ترتیب حاضر هستند بفرمایند احکام لازمه صادر خواهد شد، والا به طوری که می نویسم در جریان این امور دوامی نبوده و همه جای ایران مغشوش است دنیا بر هم خورده است صبر بنمایید تا وضعیات طوری بشود که آنها بتوانند به منافع نامشروع خودشان نائل شوند.

(۳۳۲)

سواد مکتوب شکوه الملک به حاج آقای شیرازی

کابینه ریاست وزراء

به عرض عالی می رسانند، سواد تلگرافی که از طرف حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء دامت شوکتہ راجع به پسرهای آقای امیرمؤید به حکومت جلیله مازندران مخابره شده است اینک برای اطلاع خاطر محترم حضرت عالی لفا ارسال و تقدیم می گردد.

(شکوه الملک) ریاست وزراء

مورخه ۴ ثور، ۱۲۹۹.

(۳۳۳)

سواد حکم رئیس الوزراء (و ثوق الدوله) به حکومت مازندران

حکومت جلیله مازندران

کفیل ژاندارمری مازندران به اداره مرکزی تلگراف کرده است که از قرار اظهار

امجدالواعظین پسرهای امیرمؤید برای حرکت تهران حاضر شده و تقاضا دارند از عایدات املاک آنها که توقیف شده است دو هزار تومان برای مصارف راه نقداً به آنها داده شود و از منقولاتشان هم به قدر احتیاج فامیلشان مترد گردد. در صورتی که مصمم حرکت هستند و اسلحه خود و همراهان را تسلیم می کنند دو هزار تومان با مقداری از منقولاتی که خواسته اند فوری به آنها برسانید و وسائل عزیمت آنها را به تهران فراهم نمایید که در اینجا کارهای دیگر خود را تصفیه نمایند.

۴ ثور، نمره ۷۸۹

محل امضاء وثوق الدوله رئیس الوزراء

(۳۳۴)

سواد مکتوب حاکم مازندران (ظهیرالملک)

به سیف الله خان و هژبر السلطان

حکومت مازندران

نمره ۲۳۹۰

اداره کاپیه

مورخ ۵ شهر شعبان ۱۳۳۸

مطابق ۴ برج ثور ۱۲۹۹

جناب آقایان سیف الله خان و هژبر السلطان زید اقباله

در این موقع که جناب اجل امجد آقای مازور فرج الله رئیس کل باطالیان مستقل مازندران دام اقباله حسب الامر دولت علیه موقتاً به طرف تهران عزیمت می نمایند موقع را مغتنم شمرده به شما ابلاغ می کنم که معزی الیه صیانت حقوق حقه شما را عهده دار و شرافت نظامی خود را که خبلی مقدس و پر قدر و قیمت است به محافظت همه چیز آن آقایان و دودمان شما رهینه می دهد. با کمال اطمینان خاطر و قوت قلب به اتفاق معزی الیه و جناب امجدالواعظین به تهران رفته مطمئن باشید که در سایه بندگان اعلیحضرت اقدس همایونی شاهنشاهی ارواحفداه و حسن توجه حضرت اشرف اعظم آقای رئیس الوزراء روحی فداه همه نوع مرحمت و عطوفت از طرف اولیای دولت به شما و دودمان محترمتان خواهد شد. چشم آن دارم که اغتنام این موقع را از دست ندهید. و با نهایت اطمینان با معزی الیه عزیمت نموده و سعادت و شرافت خدمتگزاری خاندان خودتان که همیشه به

دولت داشته‌اید بدین وسیله حفاظت نمائید.

ظهيرالملک

حکومت مازندران

(۳۳۵)

مکتوب اداره محاسبات به رئیس الوزراء (وثوق الدوله) با مطلبی در حاشیه

نشان شیر و خورشید و تاج

وزارت داخله

مورخه ۲ برج نور ۱۲۹۹

اداره محاسبات نمره ۱۰۹

راپورت

به مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت عظمة

اداره ژاندارمری بر طبق راپورت رژیمان نمره ۷ تقاضا می کند مبلغ پانصد و پنجاه تومان و دو قران مخارج آقایان امیر مکرم و امیر مؤید را از تاریخ ۱۵ جدی لغایت حوت سنه ماضیه قوی لیل تصویب و دستور پرداخت آن به وزارت جلیله مالیه صادر شود صدور و تقدیم پیشهاد منوط به امر مبارک است.^۱

[امضاء]

[مهر]: وزارت داخله

[حاشیه]: اداره ژاندارمری جواب بدهند که باید صورت ریز مخارج یومیه را چنان که از کاشان مرتباً ارسال می دارند از کرمانشاهان هم ارسال دارند پس از آن اقدامی که لازم است در صدور حواله آن بشود. ۱۱ نور ۱۹۹۹ اقدام شد فی التاريخ....

۱. اشاره است به دوران تبعید امیر مؤید باوند سوادکوهی و گروهی دیگر از معرویین توسط وثوق الدوله عارف قرار داد ۱۹۱۹ به کرمانشاهان.